

اندیشه



بررسی آرای اقتصادی آیت‌الله شهید صدر

آزادی و عدالت اجتماعی، دو بال پرواز اقتصاد اسلامی

■ **محمدامین بهادری**

آیت‌الله شهید صدر از جمله مؤثرترین صاحب‌نظران در چند دهه اخیر در موضوع اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. هفته گذشته اشاره شد که ایشان مبنای اقتصاد اسلامی را تعریف صحیح از سه عامل «مالکیت مستقل، آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی» به عنوان اصول نظام اقتصاد اسلامی برمی‌شمرند. همچنین اشاره گردید شهید صدر اعتقاد به اختلاف مبنای جدی بین اسلام و سایر نظامات متصارف اقتصادی (سرمایه‌داری و سوسیالیسم) در موضوع مالکیت دارد؛ چراکه نظام کاپیتالیسم، به نوعی خاص از مالکیت فردی اعتقاد دارد که اساس مالکیت توسط دولت را به عنوان ضرورتی اجتماعی به رسمیت نمی‌شناسد. این مسئله در جوامع سوسیالیستی دقیقاً برعکس است و مسئله مالکیت فردی موضوعیت چندانی ندارد، در حالی که نظام اقتصاد اسلامی وجود هر دو شکل مالکیت فردی و دولتی را به رسمیت می‌شناسد و در کنار این دو، برخی ثروت‌های جامعه را مرتب با قسم سومی یا «مالکیت عمومی» برمی‌شمرد. در یادداشت پیش‌رو، به دو اصل مهم دیگر اقتصادی اسلامی در نگاه شهید صدر یعنی «عدالت اجتماعی» و «آزادی اقتصادی» به صورت اجمالی نظری افکنده می‌شود.

■ **آزادی اقتصادی در نگاه شهید صدر**

آیت‌الله صدر، به منظور تعریف آزادی اقتصادی در نظام اسلامی، ابتدا می‌کوشد تا تعریف درستی از آزادی رایج در غرب ارائه دهد. ایشان آزادی در غرب را به دو جنبه تقسیم می‌نماید که عبارت است از: آزادی‌های فردی و آزادی اجتماعی. ایشان معتقد است همانطور که نظام سرمایه‌داری در رسمیت بخشیدن به مالکیت خصوصی دچار افراط گردید در رهاکردن جنبه‌های مختلف رفتاری در جامعه نیز آزادی را بی‌قید و شرط پذیرفت و این نوعی افراط مخرب بود. شهید صدر در این خصوص می‌نویسد: «آزادی شخصی، شہوت و غریز را که ابزارهای شهدا دهند خدادادی، برای بهبود تغذیه مقومات جسمانی بودند، به قوای داغفه بدل کرد که انسان را در برابر قوای دیگر مستخر خود ساخت. بدین صورت آزادی از همان اول راه زیان دید و تا وقتی که دست شهوات باز بود و عقل و معانی انسانی که انسان را از حیوان متمایز می‌سازند، از عمل باز داشته شده بودند، کاری از او بر نمی‌آمد.»

لذا آزادی در جامعه تا هنگامی که انسان‌ها و اعضای آن باشند و ثروتمندان فرصت‌ها را به نفع خود تصاحب نمایند، ثروت‌های جامعه نیز در دست گروهی خاص متمرکز می‌شود که از نظر اسلام این‌ت‌مركز ثروت «تکثیر» بوده و سبب گمراهی جامعه است. شهید صدر با بیان مثال‌هایی از جامعه کنونی آمریکا تمرکز ثروت جامعه در دست اقشار خاص را نتیجه اعطای آزادی اقتصادی بدون رهایی از عنان نفس بر می‌شمرد. ایشان همچنین می‌نویسد: «سرمایه‌داران به سبب

محدودیت اقتصادیشان در جامعه و قدرتشان در به کارگیری ابزارهای تبلیغی و توانایی‌شان در خریداعوان و انصار، ابزارهای حکومت را برای تحقق مقررات ناکار می‌سازند و حکومت و نظام اجتماعی و قانونگذاری به طمع تأمین منافعش از راه ابزارهای سرمایه‌داری، به سبطه سرمایه‌داران تن می‌دهد. با آنکه بنا بر مفاهیم دموکراسی، دموکراسی حق همه است.»

در چنین شرایطی دموکراسی سرمایه‌داری به حکومتی بدل می‌شود که اقلیت به یاری آن به سود می‌رسد و به سلطه‌ای منتهی می‌شود که برخی با آن از هستی خود برابر دیگران محافظت‌می‌کنند و به عقلائیّت منفعت‌طلب می‌رسد که صرفاً اقلیتی را از رفهنگ دموکراسی کامیاب سازد.

نهایتاً بدترین مرحله در نظام سرمایه‌داری محقق می‌شود که در آن بزرگان نظام سرمایه‌داری با نفوذ بی‌حصر خود، می‌توانند عقلائیّت مطلوب خود را در سراسر جهان اعمال نموده و با استعمار ملل و جوامع، نیاز خود را با نام آزادی اما به فیجیع‌ترین گونه‌ها مرتفع سازند. از نگاه شهید صدر «استعمار» آخرین نقطه سیر آزادی غربی در راه بندگی ماده است، لذا مشخص است که آزادی غربی که آزادی از جنس مادی است و نه معنوی، در واقع عبارت است از تفکری که سیادت انسان بر خویش را نوید می‌دهد و اول از همه می‌کوشد خود را از تقدید به حق تعالی خارج نماید، درین از اینکه سرانجام به قیودیت و بندگی ماده و مادیات خواهد رسید و شرایطی همچون بشر امروزی غرب را رقم می‌زند که



شهید صدر عدالت اجتماعی را ارزشی اصیل، مبنایی و بی‌بدیل در اسلام می‌داند. زاویه نگرش ایشان به مسئله عدالت، بیشتر مسئله عدالت توزیعی بود. بنا به تحلیل شهید صدر، تحقق عدالت و رفع ظلم با از بین رفتن نابرابری توزیعی ممکن است و ساحت اصلی این مسئله، اقتصادی است

تحت سلطه مادیات و شهوات است: «انسان اروپایی در آغاز رنسانس، حریت را به مثابه ارزش اعلای پذیرفت، زیرا خود را در همه زمینه‌های زندگی مقید دیده بود، حتی در عقاید علمی و مذهبی. غرب آمد که از انسان، موجود مختاری بسازد که هر وقت خواست کاری انجام دهد، بتواند و با عقل خود بیندیشد، نه با عقل دیگری. تا اینجا چیز درستی بود، اما خطا آن بود که این تصمیم افقی بود. آزادی به معنای شکستن قیود از انسان ارزش دارد و قالب ارزش‌هاست، ولی به تنهایی انسان نمی‌سازد. نمی‌توان بندها را از انسان برداشت و فقط به او گفت هر چه می‌خواهی بکن و کسی –چه سلطان و چه قنسس – بر تو تسلطی ندارد. شکستن قیود- بدون معنا و محتوای –چارچوب صالح و شایسته رشد بشر را مختل می‌کند. قالب، محتوا و رهنمود نیاز دارد و این، همان چیزی است که انسان اروپایی از آن غفلت کرد. آزادی و هدف جز چارچوب و پایه و قالب نیست اما انسان اروپایی، آزادی را ارزش و هدف نهایى دانست. اگر چارچوب، بدون محتوا باشد، به هرج و مرج می‌انجامد، که امروز تمدن غربی را تهدید می‌کند.»

اما تفکر اسلامی بر عکس این سیر نزولی، می‌کوشد انسان را از بندگی ماده، به عبودیت خداوند برساند. از این رو عبودیت و بندگی موجودی مطلق و کامل چون خداوند نه تنها در نظام اسلام، قبیح نیست، بلکه یک ویژگی کاملاً منطقی با فطرت و مسیر کمال آدمی شمرده می‌شود.

شهید صدر مکرراً تا تألیفات خود تأکید می‌نماید که «توحید» اساس شکل‌گیری تمدن اسلامی است و هر چه در امور اجتماعی جاری است اعم از عدل و علم و اخلاق و عمل، همه تحت معنای عبادت و بندگی حضرت حق، مفهوم می‌یابد.

این بندگی باعث می‌شود که آزادی عمل رفتار اقتصادی اگر چه مورد پذیرش و تأیید قرار گیرد اما مقید و محدود به حدودی شود که خداوند برای انسان معین ساخته و به عنوان ناظم حیات اجتماعی بشر، به عنوان مقررات نظام اقتصادی اسلام، وضع نموده است، لذا در مسئله آزادی اقتصادی در اسلام، شهید صدر اعتقاد داشت دو محدودیت اساسی مانع مطلق بودن اصل مالکیت خصوصی و آزاد بودن رفتار در اقتصاد اسلامی می‌گردد. محدودیت اول درونی و فردی است و از هنجارهای اخلاقی و اسلامی نشئت می‌گیرد. این ارزش‌های درونی از دامنه حکومت و اجبار آن خارج بوده و قابل سنجش نیز نیستند. لکن محدودیت دوم در آزادی عمل اقتصادی، واقعی و ملموس است و قانون و احکام الهی صراحتاً به آن اشاره نموده‌اند. قوانین اسلام در دو سطح به صورت عینی، آزادی را محدود ساخته‌اند که سطح نخست مربوط به مجموعه فعالیت‌های غیرمجاز شناخته شده توسط شارع همچون ربا و احتکار بوده و سطح دوم اصلی است که طبق آن «ولی امر» باید نسبت به فعالیت‌های عمومی اقتصاد اشراف داشته باشد و رفتارها را به منظور تأمین اهداف جامعه اسلامی متناسب با اوضاع زمان و شرایط موجود در اجتماع، تنظیم نماید.

■ **اسلام و عدالت اجتماعی**

شهید صدر در کنار آزادی معین و مالکیت مختلط، اصل سومی را نیز برای اقتصاد اسلامی برمی‌شمرد که «عدالت اجتماعی» است. وی در توضیح این اصل می‌نویسد: «اصل دیگر اقتصاد اسلامی، عدالت اجتماعی است. اسلام نظام توزیع ثروت در جامعه اسلامی را از عنصرها و تضمین‌هایی بهره‌مند کرده که بتواند عدالت اسلامی را محقق نموده و با ارزش‌هایی که بر آن استوار

است، انسجام داشته باشد.»

ایشان عدالت اجتماعی را ارزشی اصیل، مبنایی و بی‌بدیل در اسلام می‌داند. زاویه نگرش ایشان به مسئله عدالت، بیشتر مسئله عدالت توزیعی بود. بنا به تحلیل ایشان، تحقق عدالت و رفع ظلم با از بین رفتن نابرابری توزیعی ممکن است و ساحت اصلی این مسئله، اقتصادی است. ظلم در حوزه اقتصادی، در توزیع غیربرابر رخ می‌دهد و تنها با رفع این معضل، بزرگ‌ترین مشکل جامعه اسلامی مرتفع می‌گردد، به نحوی که در جامعه حقوق فردی جمع، قربانی نمی‌شوند و نوعی سازگاری میان آنان به وجود خواهد آمد.

مفهوم عدالت اقتصادی در اندیشه اسلامی طریق نظر صدر، حسب استعمال آن در متون اسلامی دارای چهار معنی «سنساری، اعطای حق صاحب حق به آن، نبود تفاوت فاحش درآمد و اعتدال» را شامل می‌گردد. شهید مطهری نیز مفهوم عدالت را با یک عبارت کلی که دادن حق هر صاحب حق است (اعطاء کل ذی حق حقه) تعریف می‌نماید یا در جای دیگر از تعریف افلاطونی به مفهوم ایجاد تناسب و توازن به عنوان بار معنایی واژه عدالت یاد می‌کند.

شهید صدر در مفهوم عدالت اجتماعی، کلی‌گویی و تعمیم‌های بی‌نتیجه را در خصوص نسبت اسلام با مسئله عدالت، مورد تذکر قرار می‌دهد و می‌کوشد تا با عملیاتی کردن این مفهوم به دو اصل فرعی «تکافل عمومی» و «توازن اجتماعی» آن را به عینیت برساند.

مفهوم تکافل را می‌توان تقریباً معادل بیمه عمومی اجتماع در نظر گرفت. نهاد تکافل در واقع نهادی اخلاقی و اجتماعی است که بر مبنای اصل تعاون «تعاونوا علی البر و التقرى» در جامعه ضرورت می‌یابد. حمایت از نیازمندان جامعه اسلامی یکی از وظایف مشترک میان دولت اسلامی و مردم است که در صدر اسلام نیز وجود داشته و مورد تأیید پیامبر و مسلمین بوده‌است. از جمله اینکه پیامبر اسلام(ص) پس از ورود به مدینه، صندوقی به نام کنز ایجاد نمودند که مردم به آن وجوهی به طور سالانه‌اعطای نمودند که در رفع فقرتاری مسلمین مورد استفاده قرار می‌گرفت. از سوی دیگر از منابع حکومتی بیت‌المال، اعطای مبالغ و مستمری‌هایی برای نیازمندان در حکومت اسلام مورد پذیرش بوده‌است.

پیرامون «اصل توازن» نیز شهید صدر، به منظور اثبات ضرورت وجود اصل در عدالت اقتصادی دو دلیل عمده ذکر می‌نماید. اولاً با توجه به آیه «کلّ لایکون دولة بین الایغیال/حشر(۷)» هدف از تحقق عدالت را دست به دست نشدن اموال و ثروت جامعه بین اغنیا و ایجاد یک حلقه بسته تبادل ثروت در اجتماع مسلمین می‌داند، لذا دولت اسلامی موظف است به کمک ابزارهای متناسب، اجازه ندهد وضعیت نامتوازن ثروت در جامعه محقق شود. عدالت در این رویکرد که به معنی «توازن اقتصادی» است که لازمه آن محدودیت دیگری از ثروت جامعه در دست ثروتمندان است.

نهایتاً ایشان با توجه به یکی از روش‌های فقهاتی در اسلام (کشف اصول) از زبیرنمایی از راه بررسی قوانین و احکام به عنوان روش(نا) از وجود احکامی نظیر ممنوعیت کنز و ربا، اعطای حق قانونگذاری به دولت و مخالفت با استفاده از ثروت خام و طبیعی به شکل سرمایه‌داری، قوانین و احکام ارق و… می‌توان قاعده کلی ضرورت تحقق توازن اجتماعی در سیستم اقتصادی اسلام را کشف نمود. این نوع نگاه به مسئله عدالت البته چنانچه ذکر شد، نزدیک به تفکر افلاطونی است که بر استنباط مفهوم «توازن» از آن تأکید دارد.

صرات

آزادی مطلق، در اسلام پذیرفته نیست



ما در بحث آزادی، اولین محدودیت را برای خودمان درست می‌کنیم. آن محدودیت چیست؟ عبارت است از اینکه ما نظر اسلام را می‌خواهیم؛ خودمان را محدود می‌کنیم به نظر اسلام و چارچوب اسلامی. این، اولین محدودیت. در بحث آزادی، از محدودیت تترسیم. چون وقتی گفته می‌شود آزادی، آزادی در معنای اولی – که با حمل اولی ذاتی مشخص می‌شود- یعنی رها شدن. کسی که می‌خواهد درباره آزادی بحث کند، کانه هر چیزی که اندکی با این رها شدن منافات داشته باشد، برایش سنگین می‌آید؛ یعنی دنبال استثنا می‌گردد. قاعده عبارت است از رهایی مطلق. او دنبال این می‌گردد که «لا ما خرج

بالذلیل»اش چیست، که بگوید خوب، در این زمینه‌ها آزادی نه، در آن زمینه‌ها آزادی نه؛ از این چند تا زمینه که بگذریم، آزادی‌بله. این اشتباه را انسان ممکن است در مواجهه با بحث آزادی بکند. من عرض می‌کنم اینجوری نیست. از اول هیچ پیشفرضی وجود ندارد که بخواهد به ما آزادی مطلق را بدهد – که حالا عرض خواهیم کرد که اصلاً منشأ آزادی در اسلام چیست – از اول چنین پیشفرضی نداریم که یک آزادی مطلق حق انسان است، متعلق به انسان است، برای انسان ارزش است، حالا بگردیم ببینیم که استثناها کدام است. «ما خرج بالذلیل»‌ها کدام است؟ تخیر، قضیه اینجوری نیست. ما از محدودیت تترسیم. هم‌الظور که عرض کردم، اولین محدودیت ما که درباره مباحث آزادی در اسلام حرف می‌زنیم، این است که می‌گوییم در «اسلام» یعنی از اول، چارچوب درست می‌کنیم؛ از اول برایش محدوده درست می‌کنیم.

بیانات رهبر انقلاب در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی ۹۱/۸/۲۳

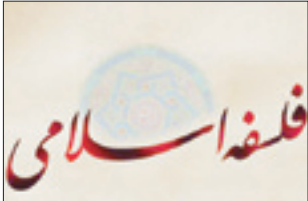
درنگ

فلسفه نظری چگونه به حکمت متعالیه تبدیل شد؟

فرایند اسلامی کردن فلسفه در تاریخ اسلام

حسن انصاری، عضو هیئت علمی مؤسسه

مطالعات عالی پرینستون اخیراً در کتاب شخصی خود یادداشتی در خصوص فرایند اسلامی شدن فلسفه در تاریخ اسلام نگاشته که بخشی از مقاله‌ای خواهد بود که بعداً منتشر می‌گردد. در این یادداشت که در ادامه آمده است، دسته‌بندی جالبی از تاریخچه تحول فلسفه اسلامی به صورت اجمالی ارائه شده است.



فلسفه یونانی هنگامی که به لطف ترجمه‌های عربی و سربانی آن در اختیار عالمان مسلمان قرار گرفت همچون نمونه مسیحی آن خیلی زود و در کنار اهتمام‌ها برای علوم دین طبعی، طبیعی و ریاضی، خود خدمت‌الهیات اسلامی فرار گرفت. در واقع کسانی مانند گندی از فلسفه ارسطویی در تحول و تدوین مباحث کلامی بهره بردند و اصلاً فلسفه یونانی را در نوشته‌هایی در قالب مباحث کلامی عرضه کردند. این کار خود در تحول بحث‌های کلامی تأثیری تمام داشت. با این وصف به ویژه از دوره فارابی متافیزیک ارسطویی با وجود تأثیرپذیری از مباحث کلامی موجود در میان مسلمانان و مسیحیان عصر اسلامی اما خیلی زود به عنوان علمی غری و بر خاسته از منطق تلقی شد که فارغ از اعتقادات دینی هر گروه و دیانتی ناظر به شناخت حقایق اشیا و نسبت وجود و چیستی آنها و فلسفه طبیعی حاکم بر هستی است. بدین ترتیب فیلسوفان فلسفه رای علمی عقلی و بشری یافتند که لزوماً فانیان با دین ندارد. از این نقطه نظر تلاشی هم برای اسلامی کردن آن وجود داشت، یعنی برداشتن متکلمان مباحث فلسفی گرچه گاهی از الیهیات اسلامی تأثیر پذیرفت اما مستقل از کلام دامه حیات داد. با این وصف از همان دوره فارابی و به ویژه از دوره ابو اسلیمان سجستانی و عمری و اخوان الصفا در تلاوم سنت‌های فلسفی سده چهارم یکی از دل‌مشغولی‌های فلاسفه نسبت فلسفه و شریعت بود. این پرسش تا زمان ابن‌رشد و بعد از ابن رشد همچنان از دل‌مشغولی‌های فلاسفه بوده است. پاسخ‌های متعددی هم بدان داده شد اما این مسئله غیر از تلاش برای بومی کردن و اسلامی کردن آن بود. تلاش‌ها در چارچوب این بحث اخیر نهایتاً در حد این بود که گفته می‌شد افلاطون و ارسطو خود از پیامبران بوده‌اند یا اینکه فلسفه در اصل تعلیم انبیا بوده‌است. یکی از مبانی نظری چنین بحثی از همان زمان فارابی و فلسفه مدنی او در حقیقت ضرورتی بود که فلاسفه برای خود حس کردند درباره نسبت عقل فلسفی با پدیده وحی و نبوت بعد از ابن رشد همچنان از دست‌مغولی‌های بود در بحث از نسبت فلسفه با دین به معنی عام آن.

این در واقع به ویژه از دوره فلسفه عصر صفوی بود که مکاتب مختلف فلسفی از انواع مختلف حکمت سخن راندند و این باور را در صورت‌بندی‌های مختلفی ارائه کردند که حکمت بر خاسته از سرچشمه نبوی است و حتی برخی از نوعی حکمت در برابر فلسفه مشایی سخن می‌رانند و اولی را برخلاف دومی بر گرفته از نبوت و ولایت می‌دیدند.

به عقیده من این نگاه اخیر گرچه در قالب دفاع از فلسفه اسلامی بود اما در نهایت منطری تفکیکی باید قلمداد شود. اما مقصود من از تفکیکی در اینجا تفکیکی به معنای این رشدی آن نیست. این رشد حکمت را مستقل از دیانت می‌دید و آن را از شریعت تفکیک می‌کرد اما این تفکیک به معنای حفظ استقلال حیطه این دو ضمن دفاع از هر دو بود و نه به مسلخ بردن یکی در برابر دیگری، ولی آنچه در حکمت چند سده اخیر دیده می‌شود به نحوی نفی استقلالیّت فلسفه است. این البته کلیت ندارد اما حتی در فلسفه حکمت‌متعالیه می‌توان نوع نسبت میان فلسفه، عرفان و شهود را در چنین قالبی دید. در واقع فلسفه تنها بسط نظری دریافت شهودی انسان کامل و ولایت او بود. اینچنین بود که فلسفه تبدیل به حکمت متعالیه شد.

پیشخوان

کتاب شهید صدر منتشر شد

کتاب «شهید صدر: زندگی نامه شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر» نوشته آیت‌الله سیدکاظم حسینی حائری با ترجمه و تحقیق سید مهدی نوری کیزقانی، عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری و زینب آذرو ب از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.



صدر، فرزندان شهید صدر، تألیفات و شاگردان شهید صدر در برخی فعالیت‌های ایشان از جمله در مدرسه علوم اسلامی، جمعیت علمای نجف و دانشکده اصول دین می‌بردارد. در ادامه این بخش دیدگاههای شهید صدر درباره حزبگرای، مرجعیت اساس حکومت و... بیان می‌شود و در انتها هم علل ترس حکومت بعثی عراق از ایشان، روابط شهید صدر و امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، مبارزات شهید صدر با رژیم بعث، بیانیه‌های شهید صدر در ایام حصر و داستان شهادت ایشان از زبان شیخ نعمانی بیان می‌شود.

آیت‌الله حائری به همراه آیت‌الله هاشمی شاهرودی از برجسته‌ترین شاگردان «شهید صدر» محسوب می‌شوند.

کتاب «شهید صدر: زندگی‌نامه شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر» در ۱۷۶ صفحه و در قطع رقعی به قیمت ۷۰۰۰ تومان روانه بازار فروش شد.

